

## شرط‌بندی پاسکال و اشکال خدایان متعدد<sup>۱</sup>

امیرحسین زادیوسفی\*

محمد سعیدی مهر\*\*

### چکیده

یکی از استدلال‌هایی که برای دفاع از معقولیت باور به گزاره «خدا وجود دارد» به کار می‌رود استدلال شرط‌بندی پاسکال است. یکی از مهم‌ترین اشکالات به این استدلال، «اشکال خدایان متعدد» نام دارد. در این مقاله ابتدا یکی از رایج‌ترین تقریرهای شرط‌بندی پاسکال به نام «سود مورد انتظار برتر» را ارائه می‌کنیم و سپس به شرح دو نسخه از اشکال خدایان متعدد می‌پردازیم. نسخه اول نسخه امکانی و نسخه دوم نسخه واقعی نام دارد. از نسخه واقعی سه تقریر ارائه می‌دهیم که این سه تقریر به دنبال هم شکل می‌گیرند؛ به این ترتیب که تقریر دوم در پی اشکالی به تقریر اول و تقریر سوم در پی اشکالی به تقریر دوم پدید می‌آیند. به عنوان پاسخی برای نسخه امکانی راه حل جف جوردن ارائه خواهد شد. ایده اصلی این راه حل این است که از امکان منطقی گزاره‌ای نمی‌توان احتمال بزرگ‌تر از صفر آن را نتیجه گرفت. سپس برای تقریر دوم و سوم از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد راه‌حل‌هایی ارائه می‌کنیم. در نهایت بر اساس این ایده جف جوردن که هدف اصلی شرط‌بندی پاسکال صرفاً ترجیح خدا‌باوری بر خدا‌نا‌باوری است نه ترجیح یک الگوی خاص از خدا‌باوری، استدلالی به نام «استدلال شرط‌بندی آزاد» را صورت‌بندی می‌کنیم که بر اساس آن برای هر شخص معقولی مانند S خدا‌نا‌باوری به کناری گذاشته می‌شود. به نظر نگارندگان اشکال خدایان متعدد نمی‌تواند نقدی جدی بر استدلال شرط‌بندی پاسکال باشد.

\* دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)

amirhosein.zadyusefi@modares.ac.ir

\*\* استاد گروه فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس تهران aeedimehr@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۸

**کلیدواژه‌ها:** وجود خدا، معقولیت باورهای دینی، شرط‌بندی پاسکال، اشکال خدایان متعدد، نظریه تصمیم‌سازی.

## ۱. مقدمه

می‌توان در یک نگاه کلی استدلال‌هایی که برای دفاع از معقولیت باورهای دینی به‌ویژه گزاره «خدا وجود دارد» اقامه شده است را، به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول، استدلال‌های صدق‌محور (truth-directed) یا ناظر به صدق و دسته دوم استدلال‌های احتیاط‌محور (prudential-directed) یا ناظر به احتیاط و یا نفع‌محور (benefit-directed) نامیده شده‌اند (Jordan, 2006: 29-30). استدلال‌های صدق‌محور یا ناظر به صدق استدلال‌هایی هستند که می‌خواهند صدق گزاره‌ای هم‌چون گزاره «خدا وجود دارد» را اثبات کنند. هدف این استدلال‌ها این است که اثبات شود خدا در عالم خارج وجود دارد. استدلال‌هایی هم‌چون برهان وجودی آنسلم و برهان صدیقین در این گروه جای دارند. استدلال‌های احتیاط‌محور یا ناظر به احتیاط یا نفع‌محور استدلال‌هایی هستند که قصدشان اثبات صدق گزاره‌ای هم‌چون گزاره «خدا وجود دارد» نیست. بلکه هدف این استدلال‌ها این است که نشان دهند باور به گزاره «خدا وجود دارد» باور معقولی است. استدلال شرط‌بندی پاسکال و یا استدلال ویلیام جیمز در این گروه جای دارند (James, 1896). این استدلال‌ها با صدق گزاره مزبور کاری ندارند. این استدلال‌ها کاری ندارند که آیا واقعاً در جهان خارج خدا وجود دارد یا نه. بلکه می‌گویند با توجه به شواهد و دلایل موجود باور به گزاره «خدا وجود دارد» باوری معقول‌تر از باور به گزاره «خدا وجود ندارد» و یا گزاره «نمی‌دانم که خدا وجود دارد» است؛ حتی اگر واقعاً ندانیم که آیا در جهان خارج خدا وجود دارد یا نه.

استدلال شرط‌بندی پاسکال از دسته دوم است. این استدلال قصد دارد با ملاحظاتی عمل‌گرایانه معقولیت باور به وجود خدا را اثبات کند. از شرط‌بندی پاسکال چهار تقریر وجود دارد که در این مقاله ابتدا معروف‌ترین تقریر از چهار تقریر را شرح می‌دهیم.<sup>۲</sup> این تقریر را هکینگ «استدلال سود مورد انتظار برتر» (argument from dominating expected utility) نام‌گذاری می‌کند. پس از توضیح این استدلال یکی از مهم‌ترین اشکالاتی که به این استدلال وارد شده است را بیان می‌کنیم. این اشکال به «اشکال خدایان متعدد» (many gods objection) معروف است. در این مقاله استدلال خواهد شد که اشکال خدایان متعدد

اشکالی جدی بر استدلال شرطبندی نیست.

## ۲. استدلال سود مورد انتظار برتر

از استدلال شرطبندی پاسکال چهار تقریر ارائه شده است. این چهار تقریر عبارت‌اند از: «استدلال برتری»، «استدلال سود مورد انتظار»، «استدلال سود مورد انتظار برتر»؛ و «استدلال برتری قوی». در این قسمت از مقاله تقریر سوم از استدلال شرطبندی پاسکال یعنی استدلال سود مورد انتظار برتر را که رایج‌ترین تقریر از استدلال شرطبندی است را توضیح می‌دهیم (Hacking, 1972: 92-186). از آن‌جا که صورت‌بندی این استدلال با استفاده از نظریه تصمیم‌سازی (decision-making theory) قابل فهم‌تر است، پیش از پرداختن به این استدلال مقدمه‌ای کوتاه راجع به نظریه تصمیم‌سازی بیان می‌کنیم.

### ۱.۲ نظریه تصمیم‌سازی

در وضعیت‌های گوناگون تصمیم‌سازی سه عنصر مهم وجود دارند؛ اقدام‌ها (actions) وضعیت‌های جهان (states of the world) و پیامدها (outcomes). اقدام‌ها راه‌های گوناگون بدیلی هستند که کنش‌گر می‌تواند یکی از آن‌ها را انجام دهد. وضعیت‌های جهان حالت-هایی هستند که جهان می‌تواند به آن‌گونه باشد. پیامدها، نتایج یا اثرات هر یک از اعمال در هر یک از وضعیت‌های مختلف جهان هستند. یک ماتریس تصمیم‌سازی ارتباط بین این سه عنصر را نشان می‌دهد:

وضعیت‌های جهان

پیامدها
---------

اقدام‌ها

(شکل ۱)

بسته به این‌که تعداد اقدام‌های بدیل و وضعیت‌های گوناگون جهان چه باشد می‌توان ماتریس‌های متفاوتی تشکیل داد (برای مثال ماتریس  $2 \times 2$ ،  $3 \times 2$ ،  $3 \times 3$  و ...).

برای این‌که بدانیم چه اقدامی معقول‌تر است باید بعد از تشکیل ماتریس تصمیم‌سازی و اختصاص دادن ارزشی، به پیامد ناشی از انجام اقدامی در هر یک از وضعیت‌های گوناگون جهان، به محاسبه عددی به نام EU پردازیم که مخفف expected utility، به معنای سود

مورد انتظار، است. فرمول محاسبه EU برای اقدام A عبارت است از:

$$EU(A) = \sum_{o \in M} PA(o)U(o)$$

که در آن M مجموعه تمامی پیامدها، PA(o) احتمال پیامد o به شرط A و U(o) سود o است (Briggs, 2014).<sup>۳</sup> برای روشن تر شدن فرمول فوق به مثال زیر توجه کنید: فرض کنید قرار است در فصل زمستان به یک سفر کوهستانی برویم. اما دقیقاً نمی دانیم که آیا زنجیر چرخ را همراه خود ببریم یا نه. برای تصمیم گیری در مورد بردن زنجیر چرخ، ماتریس ۲×۲ زیر را تشکیل می دهیم:

	کولاک و بارش برف رخ می دهد	کولاک و بارش برف رخ نمی دهد
بردن زنجیر چرخ	سنگین شدن وسایل و ادامه سفر	سنگین شدن بی جهت وسایل
نبردن زنجیر چرخ	سبک شدن وسایل و توقف سفر	سبک شدن وسایل و ادامه سفر

ماتریس شماره ۱

در این مثال M، مجموعه تمامی پیامدها، عبارت است از:

$M = \{ \text{سنگین شدن وسایل و ادامه سفر، سنگین شدن بی جهت وسایل، سبک شدن وسایل و توقف سفر، سبک شدن وسایل و ادامه سفر} \}$

حال اگر بخواهیم مقدار سود هریک از پیامدها را با استفاده از عددی ارزش دهی کنیم،

مقدار برای U(o) برای هریک از پیامدها عبارت خواهد بود از:

$$U(\text{سنگین شدن وسایل و ادامه سفر}) = 10$$

$$U(\text{سنگین شدن بی جهت وسایل}) = 2$$

$$U(\text{سبک شدن وسایل و توقف سفر}) = 1$$

$$U(\text{سبک شدن وسایل و ادامه سفر}) = 5$$

با توجه به ارزش دهی فوق می توانیم ماتریس ۱ را به صورت زیر بنویسیم:

	کولاک و بارش برف رخ می دهد	کولاک و بارش برف رخ نمی دهد
بردن زنجیر چرخ	۱۰	۲
نبردن زنجیر چرخ	۱	۵

ماتریس شماره ۲

حال اگر بخواهیم طبق فرمول فوق EU را برای هر یک از اقدام‌های «بردن زنجیر چرخ» و «نبردن زنجیر چرخ» حساب کنیم داریم:

EU (بردن زنجیر چرخ) = P (سنگین شدن وسایل و ادامه سفر) بردن U × (سنگین شدن وسایل و ادامه سفر) +

+ (سنگین شدن بی جهت وسایل) U × (سنگین شدن بی جهت وسایل) بردن P

+ (سبک شدن وسایل و توقف سفر) U × (سبک شدن وسایل و توقف سفر) بردن P

(سبک شدن وسایل و ادامه سفر) U × (سبک شدن وسایل و ادامه سفر) بردن P

از آنجاکه پیامدهای «سبک شدن وسایل و توقف سفر» و «سبک شدن وسایل و ادامه سفر» به شرط بردن زنجیر چرخ، اتفاق نمی‌افتند، داریم:

0 = (سبک شدن وسایل و توقف سفر) بردن P

0 = (سبک شدن وسایل و ادامه سفر) بردن P

به طور کلی احتمال رخ دادن پیامدهایی که در سطر هر اقدام قرار ندارند صفر است (در این جا پیامدهای «سبک شدن وسایل و توقف سفر» و «سبک شدن وسایل و ادامه سفر» در سطر اقدام «بردن زنجیر چرخ» قرار ندارند).

حال با فرض این که احتمال کولاک و بارش برف ۵۰٪ باشد، مقدار EU برای اقدام - «بردن زنجیر چرخ» برابر خواهد بود با:

$$EU(\text{بردن زنجیر چرخ}) = 50\% \times (10) + 50\% \times (2) = 6$$

با محاسباتی مشابه مقدار EU برای نبردن زنجیر چرخ برابر است با:

$$EU(\text{نبردن زنجیر چرخ}) = 50\% \times (1) + 50\% \times (5) = 3$$

با توجه به عدد به دست آمده برای هر اقدام، بردن زنجیر چرخ اقدامی معقول تر است. با توجه به مقدمات فوق بی درنگ به سراغ صورت بندی تقریر سوم از شرط بندی پاسکال می‌رویم.

ابتدا ماتریس تصمیم سازی زیر را با توجه به دو فرض زیر تشکیل می‌دهیم<sup>۴</sup>:

(۱) اگر خدا وجود داشته باشد و شخص S به آن باور داشته باشد، خداوند به S به گونه‌ای بی نهایت پاداش می‌دهد.

(۲) اگر خدا وجود داشته باشد و شخص S به آن باور نداشته باشد، خداوند S را به گونه‌ای بی نهایت عذاب می‌کند.

	خدا وجود دارد	خدا وجود ندارد
باور به وجود خدا	$\infty$	F
عدم باور به وجود خدا	$-\infty$	F

## ماتریس شماره ۳

در استدلال سود مورد انتظار برتر فرض بر این است که احتمال وجود خدا عدد دل خواه P که عددی بین صفر و یک است<sup>۵</sup> و احتمال عدم وجود خدا 1-P است<sup>۶</sup>. با توجه به این که در صورت وجود داشتن خدا و باور به او خیر و منفعتی پایان ناپذیر به دست خواهیم آورد، مقدار سود ناشی از باور به خدا در صورت وجود او را با عدد  $\infty$  مشخص می کنیم. همچنین با توجه به این که در صورت وجود خدا و عدم باور به او ضرری پایان ناپذیر متوجه ما خواهد بود، پیامد ناشی از عدم باور به خدا در صورت وجود او را با عدد  $-\infty$  مشخص می کنیم. از آن جا که سود مربوط به پیامدهای ناشی از باور به وجود خدا و عدم باور به وجود خدا در صورت عدم وجود خدا محدود است آن ها را با عدد محدود F مشخص می کنیم. اگر برای ماتریس فوق سود مورد انتظار (EU) را برای هریک از اقدام ها حساب کنیم خواهیم داشت:

$$EU(\text{باور به وجود خدا}) = (P \times \infty) + (1-P) \times F = +\infty$$

$$EU(\text{عدم باور به وجود خدا}) = P \times (-\infty) + (1-P) \times F = -\infty$$

با توجه به مقدار به دست آمده برای هریک از اقدام های موجود (باورداشتن و باورنداشتن)، نتیجه این خواهد شد که باور داشتن به وجود خدا معقول تر از عدم باور به وجود اوست (Jordan, 2006: 22-23).

## ۳. اشکال خدایان متعدد

یکی از مهم ترین اشکالات به استدلال شرطبندی پاسکال، «اشکال خدایان متعدد» است. خلاصه این اشکال چنین است:

اگر به وضعیت هایی که پاسکال برای استدلال شرطبندی در نظر گرفته است کمی دقت کنیم (ماتریس ۲×۲) در خواهیم یافت که وی فقط از دو وضعیت مختلف برای جهان سخن می گوید؛ وضعیت وجود خدا و وضعیت عدم وجود خدا. منتقدان از زمان پاسکال تاکنون

اعتراض کرده‌اند که پاسکال با انحصار وضعیت‌های مختلف جهان فقط در این دو وضعیت، سایر وضعیت‌های ممکن برای جهان را نادیده گرفته است. چه اتفاقی خواهد افتاد اگر خدایی دیگر، غیر از خدای در نظر گرفته شده توسط پاسکال، وجود داشته باشد؟ چه اتفاقی خواهد افتاد اگر خدای دیگری وجود داشته باشد که معتقدان به هر موجود ماورایی از جمله خودش را عذاب کند و غیر معتقدان را پاداش دهد؟ در واقع اشکال خدایان متعدد ادعا می‌کند که ماتریس  $2 \times 2$  ماتریسی ناقص است چراکه وضعیت‌های مختلف در نظر گرفته شده برای جهان در این ماتریس، سایر وضعیت‌های ممکن برای جهان را طرد نمی‌کند. بنابراین می‌توان وضعیت‌های دیگری را، هم‌چون خدایی که در بالا مثال زده شد، برای جهان فرض کرد.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اشکال خدایان متعدد را به دو گروه تقسیم‌بندی کرد.<sup>۷</sup> گروه اول نسخه‌امکانی (possibilist many gods objection) و گروه دوم نسخه‌واقعی (actualist many gods objection) اشکال خدایان متعدد نامیده می‌شود. در ادامه ابتدا به تشریح هریک از نسخه‌های اشکال خدایان متعدد می‌پردازیم و سپس راه‌حل خود را برای پاسخ دادن به هریک از این نسخه‌ها ارائه خواهیم کرد.

### ۱.۳ نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد

همان‌طور که گفتیم اشکال خدایان متعدد تلاش می‌کند نشان دهد وضعیت‌های ممکن که پاسکال برای جهان (وضعیت وجود خدا و وضعیت عدم وجود خدا) به کار برده است ناقص هستند. طبق نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد اگر وضعیت‌های ممکن جهان افزایش یابد استدلال شرط‌بندی به تناقض می‌انجامد. برای فهم بهتر نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد بهتر است میان شرط‌بندی و شرط‌بندی مغلوب‌کننده تمایز قائل شویم. شرط‌بندی مغلوب‌کننده را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

**تعریف:** شرط‌بندی  $W$  مغلوب‌کننده است اگر و تنها اگر شرط‌بندی دیگری مانند  $W'$  وجود داشته باشد که باورمندی به خدایی هم‌چون  $\alpha$  را توصیه کند درحالی‌که  $W$  باورمندی به خدایی هم‌چون  $\beta$  را توصیه می‌کند به طوری که  $\beta$  به تمامی کسانی که به  $\beta$  باور دارند پاداش می‌دهد و تمامی کسانی که به  $\alpha$  باور دارند را عذاب می‌کند.

با این تمایز به سراغ صورت‌بندی نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد می‌رویم. این

استدلال را T می‌نامیم:

۱. با فرض هرگونه شرطبندی ای که در آن EU برای باور به یک موجود ماورائی مانند g<sub>1</sub> بی‌نهایت باشد، یک شرطبندی مغلوب‌کننده وجود خواهد داشت که در آن EU برای باور به یک موجود ماورائی مانند g<sub>2</sub> بی‌نهایت است، به طوری که g<sub>2</sub> تمام کسانی که به g<sub>1</sub> باور دارند را عذاب می‌کند و تمام کسانی که به g<sub>2</sub> باور دارند را پاداش می‌دهد.

۲. مجموعه شرطبندی‌های مغلوب‌کننده نامتناهی است.<sup>۹</sup> از این رو:

۳. شرطبندی‌ای وجود نخواهد داشت که بر تمامی شرطبندی‌های دیگر چیره شود. بنابراین:

۴. نمی‌توان به تنهایی از یک شرطبندی به خدایی باور پیدا کرد.

ایده اصلی نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد این است:

برای هر شرطبندی‌ای که باور به وجود خدا<sup>۹</sup> را پیشنهاد می‌کند می‌توان شرطبندی دیگری ترتیب داد که باور به وجود خدای دیگری را پیشنهاد کند به طوری که کسانی را که به خدای اول باور دارند در معرض ضرر و زیان بی‌نهایت قرار دهد. اگر برای هر شرط-بندی‌ای همیشه شرطبندی دیگری وجود داشته باشد که شرطبندی نخست را مغلوب کند آن‌گاه توصیه‌های متناقضی پیش رو خواهیم داشت: بر طبق شرطبندی نخست باید به خدای اول باور پیدا کرد و بر طبق شرطبندی دوم نباید به خدای اول باور پیدا کرد (Jordan, 2006: 77; Saka, 2001: 321-341; Martin, 1983: 57-64).

### ۱.۱.۳ راه‌حلی برای نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد

یکی از پاسخ‌هایی که به نسخه‌امکانی اشکال خدایان متعدد داده شده است پاسخی است که جف جوردن ارائه می‌کند (Jordan, 2006: 78). در این قسمت از مقاله پاسخ وی را به‌طور خلاصه توضیح می‌دهیم.

اگرچه استدلال بالا معتبر (valid) به نظر می‌رسد، اما مقدمه‌ای را پیش فرض گرفته است؛ چراکه عطف مقدمات ۱ و ۲ تنها در صورتی مستلزم ۳ است که بپذیریم برای هر گزاره ای مانند P:

$$(3): \diamond P \supset \text{probability}(P) > 0$$

طبق گزاره (۳)<sup>۱۰</sup> امکان منطقی برای گزاره ای مانند P برای اختصاص مقدار احتمال



بزرگ تر از صفر برای  $P$ ، کافی است. دلیل وابستگی استدلال فوق به (۳) این است که استدلال فوق ادعا می‌کند برای هر شرط‌بندی‌ای که باور به وجود خدا را پیشنهاد می‌کند می‌توان شرط‌بندی دیگری (شرط‌بندی مغلوب‌کننده) ترتیب داد به طوری که بر طبق آن نباید به وجود خدا باور پیدا کرد؛ پیشنهادی برعکس پیشنهاد اول. اما در چه صورتی می‌توان شرط‌بندی دیگری در برابر شرط‌بندی‌ای که باور به وجود خدا را پیشنهاد می‌کند تشکیل داد؟ پاسخ روشن است. از آن‌جا که برای تشکیل استدلال شرط‌بندی و محاسبه EU تنها مقدار احتمال بزرگ تر از صفر برای وجود خدا کافی است، با پذیرش (۳) می‌توان چنین احتمالی را برای وجود خدای مفروض در شرط‌بندی مغلوب‌کننده در نظر گرفت و شرط‌بندی مغلوب‌کننده را تشکیل داد. طبق (۳)، احتمال وجود خدایی با ویژگی ذکرشده در مقدمه ۱ بزرگ تر از صفر است؛ چراکه وجود چنین خدایی منطقیاً ممکن است. اما به نظر می‌رسد (۳) نادرست باشد. گزاره‌هایی وجود دارند که با وجود دارابودن امکان منطقی، گزینه‌های خوبی برای اختصاص احتمال صفر هستند. برای مثال گزاره زیر را در نظر بگیرید:

(۴) من دارای پدر و مادر هستم.

با وجود این‌که به لحاظ منطقی کاملاً ممکن است که من هیچ پدر و مادری نداشته باشم اما خیلی عجیب به نظر می‌رسد که احتمال صدق گزاره «من دارای پدر و مادر هستم» را کمتر از ۱ در نظر بگیرم. بنابراین اگر احتمال صدق این گزاره ۱ باشد احتمال کذب آن، با وجود امکان منطقی، صفر خواهد بود.

یا گزاره زیر را در نظر بگیرید:

(۵) در حال حاضر بدنی که متعلق به من است وجود دارد.

اگرچه به لحاظ منطقی ممکن است که در حال حاضر من فاقد بدن باشم اما باین‌حال خیلی عجیب به نظر می‌رسد که بخواهیم احتمالی را به غیر از عدد ۱ به گزاره ۵ نسبت دهیم. بنابراین اگر احتمال صدق ۵ یک باشد احتمال کذب آن صفر خواهد بود.

بنابراین گزاره‌هایی وجود دارند (هم‌چون نقیض ۴ و نقیض ۵) که با وجود دارابودن امکان منطقی، دارای احتمال صدق صفر هستند. از این رو (۳) نادرست است. بنابراین اگر از پذیرفتن (۳) سرباز زنیم از مقدمات ۱ و ۲ نمی‌توان ۳ را نتیجه گرفت. از این رو اگرچه استدلال T به لحاظ صوری معتبر به نظر می‌رسد ولی با رد (۳) دیگر استدلال کار نخواهد کرد.

### ۲.۳ نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد

همان‌طور که گفتیم اشکال خدایان متعدد تلاش می‌کند نشان دهد وضعیت‌های ممکن که پاسکال برای جهان (وضعیت وجود خدا و وضعیت عدم وجود خدا) به کار برده است ناقص است. ویژگی نسخه امکانی اشکال خدایان متعدد این بود که تشکیل ماتریس تصمیم‌سازی را برای هر خدای فرضی‌ای (hypothetical god) مجاز می‌شمرد. طبق نسخه امکانی تنها فرض خدایی که معتقدان به یک موجود ماورایی، از جمله خودش را عذاب می‌کند و غیرمعتقدان را پاداش می‌دهد، برای تشکیل ماتریس تصمیم‌سازی کافی است. اما در نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد این که بتوان برای هر خدای فرضی‌ای ماتریس تصمیم‌سازی تشکیل داد مجاز شمرده نمی‌شود. طبق این نسخه تنها برای خدایان ادیان موجود می‌توان ماتریس تصمیم‌سازی تشکیل داد نه برای خدایان فرضی‌ای که از تخیلات فلاسفه نشئت می‌گیرد. نسخه واقعی سعی دارد اشکال خدایان متعدد را واقع‌گرایانه‌تر تقریر کند (Voltaire, 1971: 280, Stephen, 1898: 241-284).

به نظر می‌رسد می‌توان نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد را به سه صورت تقریر کرد به‌گونه‌ای که این سه صورت به ترتیب و یکی پس از دیگری و به دنبال هم می‌آیند. در این قسمت هریک از سه صورت از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد را تشریح می‌کنیم و راه‌حلی‌هایی را برای آن‌ها ارائه خواهیم کرد. در نهایت استدلال شرطبندی آزاد را برای پاسخ به نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد ارائه خواهیم کرد. صورت اول از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد بر این تأکید دارد که با فرض خدایان متعدد هیچ دلیلی مبتنی بر نظریه تصمیم‌سازی برای ترجیح باور به یکی از خدایان بر دیگر خدایان وجود ندارد. در پی نقدی به صورت اول از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد، صورت دوم از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد شکل می‌گیرد. تأکید صورت دوم بر این است که فرض خدایان متعدد منجر به تعیین‌ناپذیری ریاضیاتی (mathematical indeterminacy problem) می‌شود؛ از این‌رو محاسبه EU برای خدایان مفروض امکان‌پذیر نبوده است و از طریق نظریه تصمیم‌سازی نمی‌توان باور به یکی از خدایان را بر دیگر خدایان ترجیح داد. در پاسخ به صورت دوم، یکی از مفروضات به‌کاررفته در محاسبه EU را با فرضی جدید تعویض می‌کنیم و از این طریق پاسخی ارائه خواهیم کرد. صورت سوم از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد با فرض این که احتمال وجود خدایان متعدد برابر است قصد دارد صورت اول را دوباره احیا

کند. در پاسخ به صورت سوم نشان داده خواهد شد که این استدلال بر فرضی استوار است که می‌توان از پذیرش آن سرباز زد. از این رو با رد فرض مذکور، به صورت سوم پاسخ خواهیم داد. در نهایت استدلال شرط‌بندی آزاد را معرفی خواهیم کرد که می‌تواند دفاعی در برابر نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد تلقی شود.

### ۱.۲.۳ صورت اول نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد

نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد را می‌توان بدون استفاده از تخیلات فلاسفه (خدایان فرضی) و با استفاده از ادیان واقعی موجود در جهان صورت بندی کرد. نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد در مورد استدلال پاسکال می‌گوید منظور از خدا در ماتریسی که پاسکال تشکیل داده است کدام خداست؟ از آن جا که پاسکال فردی مسیحی بوده است و مخاطب خود را به انجام آداب و اعمال مسیحیت دعوت می‌کند منظور وی قطعاً خدای مسیحیت است (Pascal, 2003, No. 692, p. 198 and No. 233, p. 68). در واقع ماتریسی که پاسکال تشکیل داده است ماتریس زیر است:

	خدای مسیحیت وجود دارد	خدای مسیحیت وجود ندارد
باور به وجود خدای مسیحیت	$\infty$	F
عدم باور به وجود خدای مسیحیت	$-\infty$	F

#### ماتریس شماره ۴

اما با توجه به کثرت ادیان در عالم و ادعای خیر بی‌نهایت حداقل توسط برخی از آن‌ها می‌توان ماتریس‌های تصمیم‌سازی مختلفی تشکیل داد. برای مثال ماتریس شماره ۵ را در نظر بگیرید:

	خدای اسلام وجود دارد	خدای اسلام وجود ندارد
باور به وجود خدای اسلام	$\infty$	F
عدم باور به وجود خدای اسلام	$-\infty$	F

#### ماتریس شماره ۵

حال اگر EU را برای ماتریس شماره ۵ حساب کنیم خواهیم داشت:

$$EU = (q \times \infty) + (1-q) \times F = \infty$$

(باور به وجود خدای اسلام)

$$EU(\text{عدم باور به وجود خدای اسلام}) = q \times (-\infty) + (1-q) \times F = -\infty$$

توصیه‌ای که ماتریس تصمیم‌سازی شماره ۵ دارد این است که باور به خدای اسلام نیز معقول است.

از آن‌جا که هیچ دلیلی وجود ندارد که ماتریس تصمیم‌سازی ۴ بر ماتریس تصمیم‌سازی ۵ ترجیح داده شود، هیچ دلیلی مبتنی بر نظریه تصمیم‌سازی برای باور به خدای مسیحیت به جای باور به خدای اسلام وجود ندارد (Gustason, 1998: 31-39; Saka, 2001: 321-324; Jordan, 2006: 84-87).

### ۲.۲.۳ صورت دوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد

ممکن است به استدلال بالا به این شکل ایراد گرفته شود که تشکیل دو ماتریس جدا برای هریک از خدای اسلام و خدای مسیحیت و محاسبه EU برای هرکدام به‌طور جداگانه صحیح نیست. دلیل این امر آن است که در ماتریس شماره ۴ در وضعیت عدم وجود خدای مسیحیت، معلوم نیست که آیا خدای اسلام وجود دارد یا نه. به بیان دیگر وضعیت عدم وجود خدای مسیحیت، خود به دو وضعیت دیگر قابل تقسیم است: ۱. وضعیت عدم وجود خدای مسیحیت و عدم وجود خدای اسلام ۲. وضعیت عدم وجود خدای مسیحیت و وجود خدای اسلام. پس از این‌رو وضعیت عدم وجود خدای مسیحیت، وضعیت متعینی نیست. بنابراین می‌بایست تمامی وضعیت‌های گوناگون جهان در یک ماتریس نشان داده شود. از این‌رو نحوه تشکیل ماتریس در صورت اول نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد اشتباه است. برای فرار از اشکال بالا کافی است تمامی وضعیت‌های ممکن را در یک ماتریس نشان دهیم. بدین منظور ماتریس زیر را تشکیل می‌دهیم:

	فقط خدای مسیحیت وجود دارد	فقط خدای اسلام وجود دارد	هیچ‌کدام وجود ندارد
باور به وجود خدای مسیحیت	+∞	-∞	F
باور به وجود خدای اسلام	-∞	+∞	F
باور به هیچ‌کدام	-∞	-∞	F

ماتریس شماره ۶

حال با فرض این که احتمال وجود خدای مسیحیت  $p$ ، احتمال وجود خدای اسلام  $q$  و

احتمال وجود هیچ‌یک از دو خدا  $r$  باشد؛ EU را برای هر یک از اقدام‌ها محاسبه می‌کنیم:

$$EU(\text{باور به وجود خدای مسیحیت}) = p \times (+\infty) + \{q \times (-\infty) + r \times F\} = \infty - \infty$$

$$EU(\text{باور به وجود اسلام}) = p \times (-\infty) + \{q \times (+\infty) + r \times F\} = \infty - \infty$$

$$EU(\text{باور به هیچ‌کدام}) = p \times (-\infty) + q \times (-\infty) + r \times F = -\infty$$

با توجه به محاسبات بالا، به نظر می‌رسد مشکل دیگری به وجود آمده است. عبارت  $\infty - \infty$  در ریاضیات عبارتی غیر قابل محاسبه و مبهم به حساب می‌آید. از این رو نمی‌توان مقدار EU را برای باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت محاسبه کرد. از آن‌جا که مقدار EU برای باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت معلوم نیست، نمی‌توان یکی از اقدام‌ها را بر دیگری ترجیح داد.

### ۱.۲.۲.۳ پاسخی به صورت دوم

اگر کمی در اشکال فوق دقت کنیم درخواستیم یافت که این اشکال ناشی از محاسبات ریاضیاتی‌ای است که برای محاسبه EU برای هر یک از باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت به کار گرفته شده است. به بیان دقیق‌تر این اشکال ناشی از این است که ضرب یک عدد محدود در عدد بی‌نهایت ( $\infty$ ) برابر عدد بی‌نهایت است. در واقع این که در محاسبات خود استفاده از فرض زیر را مجاز شمرده‌ایم منشأ این اشکال است:

$$n \times \infty = \infty \quad (6)$$

به طوری که عدد  $n$  کسری از بی‌نهایت نباشد. به بیان دیگر اگر عدد  $n$  را به صورت عدد کسری  $n = \frac{x}{y}$  که در آن  $x$  و  $y$  دو عدداند بنویسیم، آن‌گاه  $x \neq \infty$  و  $y \neq \infty$ . حال اگر بتوان برای محاسبه EU از ۶ استفاده نکرد، می‌توان به اشکال فوق پاسخ داد. به عبارت دیگر اگر بتوانیم در محاسبات خود، عدد  $\infty$  را به گونه‌ای حذف کنیم که دیگر از فرض ۶ استفاده نکرده باشیم، دچار اشکال فوق نخواهیم شد. بدین منظور به جای استفاده از فرض ۶، فرض ۷ را معرفی می‌کنیم:

$$(7) \quad n \times A + m \times B \approx n \times A$$

به طوری که  $A \gg B$  (بخوانید  $A$  خیلی خیلی بزرگ‌تر از  $B$  است) و  $0 < n, m < 1$  طبق ۷ اگر عدد  $A$  خیلی خیلی بزرگ‌تر از عدد  $B$  باشد و  $n$  و  $m$  دو عدد بین صفر و یک باشند به طوری که  $n$  را در  $A$  و  $m$  را در  $B$  ضرب کنیم حاصل جمع  $n \times A$  و  $m \times B$  تقریباً برابر است با  $n \times A$ . در واقع طبق ۷ مقدار  $n \times A + m \times B$  با مقدار  $n \times A$  تفاوت خیلی

چشم‌گیری نمی‌کند. برای نمونه فرض کنید  $A=1000000$  و  $B=1$  و  $n=0/4$  و  $m=0/6$  آن‌گاه داریم<sup>۱۲</sup>:

$$n \times A + m \times B = 0/4 \times (1000000) + 0/6 \times (1) = 400000 + 0/6 = 400000/6$$

$$n \times A = 400000$$

همان‌طور که در مثال فوق ملاحظه می‌شود مقدار  $n \times A + m \times B$  چندان تفاوتی با مقدار  $n \times A$  نمی‌کند؛ لذا می‌توان این دو مقدار را تقریباً برابر هم در نظر گرفت. با توجه به توضیحات فوق ماتریس ۶ را به صورت زیر بازسازی می‌کنیم:

	فقط خدای مسیحیت وجود دارد	فقط خدای اسلام وجود دارد	هیچ‌کدام وجود ندارد
باور به وجود خدای مسیحیت	A	-A	F
باور به وجود خدای اسلام	-A	A	F
عدم باور به هیچ‌یک	-A	-A	F

ماتریس شماره ۷

به‌طوری‌که  $A \gg F$ :

با فرض این‌که احتمال وجود خدای اسلام برابر با  $q$  و احتمال وجود خدای مسیحیت برابر با  $p$  باشد، اگر  $EU$  را برای باور به خدای اسلام و خدای مسیحیت محاسبه کنیم خواهیم داشت:

$$EU(\text{باور به وجود خدای مسیحیت}) = p \times (+A) + q \times (-A) + r \times F = (p-q) \times A + r \times F \approx (p-q) \times A$$

$$EU(\text{باور به وجود اسلام}) = p \times (-A) + q \times (+A) + r \times F = (q-p) \times A + r \times F \approx (q-p) \times A$$

$$EU(\text{عدم باور به هیچ‌یک}) = p \times (-A) + q \times (-A) + r \times F \approx -(p+q) \times A$$

با توجه به محاسبات بالا، دیگر مقدار  $EU$  برای باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت محاسبه‌پذیر است؛ و لذا می‌توان از میان سه اقدام یکی را بر دیگری ترجیح داد. حال اگر فرض کنیم  $p > q$  باشد آن‌گاه باور به خدای مسیحیت از دو باور دیگر معقول‌تر است. و اگر فرض کنیم  $p < q$  آن‌گاه باور به خدای اسلام از دو باور دیگر معقول‌تر است. ممکن است اشکال شود در صورتی به شرطبندی پاسکال روی آورده می‌شود که دلایل

معرفتی کافی برای باور و یا عدم باور به خدایان مفروض وجود ندارد. به بیان دیگر تنها در صورتی از شرط بندی استفاده می شود که تمامی خدایان مفروض هم احتمال باشند. از این رو نمی توان فرض کرد  $p > q$  یا  $p < q$ ؛ چرا که اگر فرض کنیم احتمال وجود یک خدا از خدای دیگر بیش تر است بدین معنی است که دیگر به دلایل عمل گرایانه نیازی نیست و می توان به خدای محتمل تر باور پیدا کرد.

در پاسخ باید گفت این که احتمال معرفتی گزاره ای از احتمال معرفتی گزاره دیگری بیش تر باشد مستلزم این نیست که دلایل معرفتی کافی برای باور به گزاره محتمل تر وجود دارد. برای مثال اگر شرایط باور به صدق گزاره ای هم چون  $p$  را مانند زیر تعریف کنیم خواهیم داشت:

اگر  $\Pr(p) \leq 0/3$ ،  $\Pr(p)$  را بخوانید احتمال صدق  $(p)$ ، آن گاه شخص  $S$  در باور به  $p$  موجه نیست بلکه در باور به نقیض  $p$  موجه است؛

اگر  $0/3 < \Pr(p) < 0/7$  آن گاه شخص  $S$  در باور به  $p$  در حالت تردید قرار دارد؛

اگر  $\Pr(p) \geq 0/7$  آن گاه شخص  $S$  در باور به  $p$  موجه است و در باور به نقیض  $p$  ناموجه؛ با توجه به تعریف فوق می توان نسبت به دو گزاره در حالت تردید بود با وجود این که احتمال یکی بیش تر از احتمال دیگری باشد. با توجه به تعریف فوق تنها در صورتی شخص  $S$  از حالت تردید نسبت به گزاره ای مثل  $p$  خارج می شود که احتمال صدق  $p$  یا بیش تر از  $0/7$  باشد و یا کم تر از  $0/3$ . بنابراین این حالت که برای شخص  $S$  یکی از دو گزاره محتمل تر باشد با این حالت که وی نسبت به باور به هیچ یک از آن ها موجه نباشد سازگار است. از این رو می توان شرط بندی پاسکال را در حالتی که احتمال وجود برخی از خدایان نسبت به برخی دیگر بیش تر است، به کار برد؛ به شرطی که احتمال آن ها در محدوده ای که شخص  $S$  را از حالت تردید خارج می کند نباشد.

قصد ما از مثال فوق تنها ذکر این نکته است که حالت تردید را به صورت یک بازه در نظر بگیریم نه به صورت یک نقطه (احتمال صدق  $0/5$ ). اما این که کران بالا و پایین این بازه چگونه تعیین می شوند و چه احتمال صدقی را باید برای آن ها انتخاب کرد مسئله دیگری است که باید در جای خود از آن بحث کرد. آن چه برای ما مهم است این است که احتمال صدقی که به حالت تردید اختصاص می یابد تنها یک عدد ( $0/5$ ) نیست بلکه بازه ای از اعداد است.

### ۳.۲.۳ صورت سوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد

به نظر می‌رسد می‌توان صورت دوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد را به این شکل اصلاح کرد که فرض کنیم احتمال وجود خدای اسلام و خدای مسیحیت با یکدیگر برابر و مساوی  $p$  باشد. با فرض احتمال‌های برابر برای وجود خدای اسلام و خدای مسیحیت،  $EU$  برای هر یک از آن‌ها برابر و مساوی  $r \times F$  خواهد بود. با وجود این که مقدار  $EU$  برای باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت از مقدار  $EU$  برای عدم باور به هیچ یک بیش تر است، اما تساوی  $EU$  آن‌ها (باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت) موجب می‌شود که دوباره صورت اول از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد به گونه‌ای معقول‌تر نمایان شود؛ چراکه در صورت سوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد، اشکال مطرح شده در مورد صورت اول وجود ندارد. در این وضعیت نیز چون با مقادیر  $EU$ ‌های مساوی روبه‌رو هستیم هیچ دلیلی مبتنی بر نظریه تصمیم‌سازی برای باور به خدای مسیحیت بجای باور به خدای اسلام و بالعکس، وجود ندارد.

### ۱.۳.۲.۳ پاسخی به صورت سوم

به نظر ما صورت سوم از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد بر نفی فرض زیر مبتنی است: (۸) «در صورت برابر بودن  $EU$  برای چند اقدام هم احتمال، تفاوتی نمی‌کند کدام یک را انجام دهیم هر کدام را که انجام دهیم اقدام معقولی را انجام داده‌ایم»

اگر کسی به صورت سوم از نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد متوسل شود، در واقع وی، ۸ را نپذیرفته است و بر اساس نفی ۸ استدلال خویش را اقامه می‌کند. اما اگر کسی بپذیرد که ۸، آن گاه با وجود برابر بودن  $EU$  برای باور به خدای اسلام و باور به خدای مسیحیت و نیز برابر بودن احتمال وجود خدای اسلام با احتمال وجود خدای مسیحیت و همچنین بیش‌تر بودن مقدار  $EU$  هر یک از آن‌ها از مقدار  $EU$  عدم باور به هیچ یک، هر دو اقدام برای وی معقول است و تفاوتی نمی‌کند کدام یک را انتخاب کند. اگر به خدای اسلام باور پیدا کند اقدام معقولی انجام داده است و اگر به خدای مسیحیت هم باور پیدا کند نیز اقدام معقولی را انجام داده است.

### ۴. استدلال شرطبندی آزاد

یکی از ایده‌هایی که برای حل اشکال خدایان متعدد وجود دارد ایده جف جوردن است. بر



اساس این ایده، اقدام‌های بدیل در ماتریس تصمیم‌سازی باور به خدای مسیحیت، باور به خدای اسلام، باور به خدای یهودیت و ... نیست، بلکه تنها دو اقدام بدیل وجود دارد: یکی خدا باوری و دیگری خدا ناباوری. در ادامه سعی داریم بر اساس این ایده استدلالی ارائه کنیم که بر اساس آن برای هر شخص معقولی مانند S خدا ناباوری به کناری گذاشته می‌شود. ما این استدلال را «استدلال شرط بندی آزاد» می‌نامیم. علت این نام گذاری این است که در این استدلال از این که باید به دین خاصی متعهد شویم آزاد و رهایم. برای این منظور ابتدا باید به سه نکته توجه کنیم.

**نکته اول:** با دقت در استدلال شرط بندی درمی‌یابیم دو مقدمه‌ای که این استدلال بر آن‌ها بنا شده است مقدمات زیر است:

۱. اگر خدا وجود داشته باشد و شخص S به آن باور داشته باشد، خداوند به S به گونه‌ای بی‌نهایت پاداش می‌دهد.
۲. اگر خدا وجود داشته باشد و شخص S به آن باور نداشته باشد، خداوند S را به گونه‌ای بی‌نهایت عذاب می‌کند.

اما سؤالی در این جا مطرح است و آن این که این مقدمه را از کجا آورده‌ایم؟ چه شاهی برای توجیه این مقدمه در دست داریم؟ با کمی دقت درمی‌یابیم مقدمه مذکور را از آموزه‌های دینی گرفته‌ایم. این بدین معنی است که استدلال پاسکال استدلالی فارغ از آموزه‌های دینی نیست بلکه بالعکس استدلالی است که به آموزه‌های دینی وابسته است. بنابراین استدلال شرط بندی را تنها پس از رجوع به آموزه‌های دینی می‌توان تشکیل داد. آن‌هم نه هر دینی؛ دینی که چنین ادعایی (دست‌یابی به خیر بی‌نهایت در صورت باور) داشته باشد. از آن جا که مقدمه اساسی در این استدلال «اگر خدا وجود داشته باشد و به آن باور داشته باشیم خیر بی‌نهایت نصیبمان می‌شود» است استدلال شرط بندی را صرفاً برای ادیانی می‌توان تشکیل داد که چنین ادعایی را داشته باشند.

**نکته دوم:** این نکته در پاسخ به این سؤال است که هدف از استدلال شرط بندی چیست؟ پاسخ این سؤال از نظر پیروان ادیان گوناگون<sup>۱۳</sup> تفاوت می‌کند. مسلمانان به این سؤال این گونه پاسخ خواهند داد که هدف از این استدلال این است که باور به خدای اسلام معقول‌تر از عدم باور به آن است. مسیحیان نیز هدف از این استدلال را باور به خدای مسیح به جای عدم باور به آن خواهند دانست. همچنین یهودیان پاسخی مشابه در مورد خدای یهود خواهند داد. اما این پاسخ‌ها در صورتی قابل قبول خواهند بود که پیروان آن ادیان با

مسئله‌ای به نام «اشکال خدایان متعدد» رویه‌رو نشده باشند. آن‌ها اگر از این امر مطلع شوند که می‌توان شرطبندی‌های مشابهی برای باور به خدایان سایر ادیان ترتیب داد، شاید از پاسخ خود به سؤال فوق عقب‌نشینی کنند. اما آیا می‌توان پاسخی مشترک یافت که هر یک از پیروان ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت بتوانند آن را به عنوان پاسخی برای سؤال «هدف از شرطبندی پاسکال چیست؟» ارائه کنند؟ اگر کمی در مورد استدلال شرطبندی دقت کنیم در خواهیم یافت که می‌توان استدلال شرطبندی پاسکال را به گونه‌ای تقریر کرد که ناظر به دین خاصی نباشد. برای این منظور در ماتریس تصمیم‌سازی به جای در نظر گرفتن اقدام‌های مختلفی از قبیل «باور به خدای اسلام»، «باور به خدای مسیحیت» و «باور به خدای یهودیت»، می‌توان اقدام‌ها را به دو اقدام کاهش داد: ۱. خدا باوری و ۲. خدا ناباوری. برای مثال جف جوردن بر آن است که مسئله اولی برای استدلال شرط بندی ترجیح خدا باوری بر خدا ناباوری است (Jordan, 2006: 85-86). اما این‌که کدام الگوی خدا باوری اتخاذ شود امر دیگری است. به بیان دیگر، برای مثال، این‌که خدا باوری مسیحیت اتخاذ شود یا خدا باوری اسلام یا خدا باوری یهودیت یا خدا باوری هر دین دیگری مسئله‌ای ثانوی برای استدلال شرط بندی است. مسئله اولی برای استدلال شرط بندی این است که الحاد که امری است در برابر هر الگویی از خدا باوری، امری نامعقول<sup>۱۴</sup> است. خوب است تعریفی را از خدا، خدا باور و خدا ناباور ارائه دهیم. خدا، خدا باور و خدا ناباور را به گونه زیر تعریف می‌کنیم:

**خدا (g):** موجودی ماورایی (supernatural being) که در صورت باور به او شخص معتقد را به گونه‌ای بی‌نهایت پاداش می‌دهد و شخص نامعتقد را به گونه‌ای بی‌نهایت عذاب می‌کند.

**خدا باور:** شخص S خدا باور است اگر و تنها اگر حداقل به یک خدا (g) باور داشته باشد.

**خدا ناباور:** شخص S خدا ناباور است اگر و تنها اگر به هیچ خدا (g) ای باور نداشته باشد.

برای مثال فرض کنید در جهان دو ادعا در مورد وجود خدا شده باشد. خداهای ادعاشده را  $g_1$  و  $g_2$  می‌نامیم. در این وضعیت سه الگوی خدا باوری و یک الگوی خدا ناباوری داریم:

(Bg به معنای باور به وجود g (خدا) است)

$$Bg_1 \wedge Bg_2^{10}$$

$$Bg_1 \wedge \sim Bg_2$$

$$\sim Bg_1 \wedge Bg_2$$

و الگوی خداناباوری عبارت است از:

$$\sim Bg_1 \wedge \sim Bg_2$$

به طور کلی با فرض هر تعداد خدای ادعا شده، تنها یک الگوی خداناباوری وجود دارد. اما تعداد الگوهای خداناباوری می تواند متعدد باشد.

**نکته سوم:** از آن جا که در ادامه از مفهوم «معقول بودن فرد» استفاده خواهیم کرد خوب است آن را تعریف کنیم. معقول بودن شخص S را مانند زیر تعریف می کنیم:

**تعریف:** شخص S معقول است اگر و تنها اگر در هر شرایطی مانند C اقدام معقول تر را انجام دهد.

حال پس از ذکر سه مقدمه فوق به سراغ استدلال شرط بندی آزاد برای نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد می رویم.

فرض کنید ادیانی که ادعای خیر بی نهایت در صورت باور داشتن دارند، سه دین باشند. خدایی که هر کدام از آنها معرفی می کنند را  $g_1$ ،  $g_2$  و  $g_3$  می نامیم. اکنون می توان ماتریس زیر را تشکیل داد:

	فقط وجود $g_1$	فقط وجود $g_2$	فقط وجود $g_3$	عدم وجود هیچ $g$
باور به $g_1$	A	-A	-A	F
باور به $g_2$	-A	A	-A	F
باور به $g_3$	-A	-A	A	F
عدم باور به هیچ یک	-A	-A	-A	F

ماتریس شماره ۸

حال اگر فرض کنیم احتمال هر یک از وضعیت های چهارگانه بالا مساوی یکدیگر و برابر  $\frac{1}{4}$  باشد داریم:

$$EU(g_i) = \frac{1}{4} \times A + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times F = -\frac{1}{4} \times A$$

$$EU(g_2) = \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times A + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times F = -\frac{1}{4} \times A$$

$$EU(g_3) = \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times A + \frac{1}{4} \times F = -\frac{1}{4} \times A$$

$$EU(\text{هیچ یک}) = \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times (-A) + \frac{1}{4} \times F = -\frac{3}{4} \times A$$

همان‌طور که محاسبات بالا نشان می‌دهد با وجود این‌که مقدار EU برای باور به  $g_1$ ،  $g_2$  و  $g_3$  برابر است ولی این مقدار از مقدار EU برای عدم باور به هیچ یک بیش‌تر است. حال با توجه به این مطلب می‌توان سه گزاره زیر را استخراج کرد:

۱. باور به  $g_1$  معقول‌تر از عدم باور به هیچ‌گای است.

۲. باور به  $g_2$  معقول‌تر از عدم باور به هیچ‌گای است.

۳. باور به  $g_3$  معقول‌تر از عدم باور به هیچ‌گای است.

حال با توجه به نکته سوم و تعریفی که از خدایابوری و خداناباوری در نکته اول ارائه کردیم داریم:

برای هر شخص معقولی مانند S داریم:

۱. اگر S حداقل به یک  $g$  باور داشته باشد آن‌گاه S خدایابور است. (تعریف خدایابور).

۲. اگر باور به  $g$  معقول‌تر از عدم باور به هیچ‌گای باشد آن‌گاه S به  $g$  باور دارد. (با توجه به نکته سوم)<sup>۱۶</sup>

۳. اگر S به  $g$  باور داشته باشد آن‌گاه S حداقل به یک  $g$  باور دارد.

۴. S خدایابور است. (۱ و ۴ و ۵ و ۶)

۵. S خدایابور است. (۲ و ۴ و ۵ و ۶)

۶. S خدایابور است. (۳ و ۴ و ۵ و ۶)

۷. S خدایابور است. (عطف ۷ و ۸ و ۹)

استدلال فوق را استدلال شرطبندی آزاد می‌نامیم.

نتیجه استدلال شرطبندی آزاد این است که هر شخص معقولی مانند S در هر صورت خدایابور خواهد بود و خدایابوری بر خداناباوری ترجیح دارد اما این استدلال در مورد این‌که کدام‌الگوی خدایابوری بر دیگر الگوهای خدایابوری ترجیح دارد ساکت است. این‌که باید به یکی از خدایان و ادیانی که وعده خیر بی‌نهایت می‌دهند باور پیدا کرد یک چیز است و این‌که باید به کدام یک از آن‌ها باور پیدا کرد چیز دیگری است (Jordan, 2006: 86).

می توان در ابتدا با استفاده از استدلال شرطبندی آزاد الحاد را به کناری گذاشت و سپس از راه‌های دیگر یکی از الگوهای خداباوری را انتخاب کرد. به بیان دیگر ما با دو مجموعه روبه‌رو هستیم. مجموعه اول مجموعه‌ای از الگوهای خداباوری است (البته آن نوع از خداباوری که وعده خیر بی‌نهایت در صورت باور می‌دهد) و مجموعه دوم الگوهایی از خدااناووری است.<sup>۱۷</sup> استدلال شرطبندی آزاد به ما می‌گوید: از مجموعه اول انتخاب کن و از مجموعه دوم انتخاب نکن. حال برای این که بتوانیم از میان مجموعه اول یکی را انتخاب کنیم می‌توان از روش‌های گوناگونی استفاده کرد. مثلاً می‌توان به تحقیقات تاریخی در مورد هریک از اعضای مجموعه اول دست زد و یا این که سازگاری درون‌سیستمی آموزه‌های هریک از اعضای مجموعه اول را ملاک انتخاب قرار داد. و نهایتاً اگر راهی برای انتخاب یکی از اعضای مجموعه اول در دست نبود قرعه می‌تواند گزینه‌ای خوب برای انتخاب یکی از اعضای مجموعه اول باشد.<sup>۱۸</sup>

## ۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا یکی از معروف‌ترین تقریرهای استدلال شرطبندی پاسکال، به نام استدلال سود مورد انتظار برتر را تشریح کردیم. یکی از مهم‌ترین اشکالات به این استدلال اشکال خدایان متعدد است. سپس دو نسخه از اشکال خدایان متعدد را بیان کردیم. نسخه اول نسخه امکانی اشکال خدایان متعدد و نسخه دوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد نامیده می‌شوند. از نسخه واقعی سه تقریر ارائه کردیم که این سه تقریر به دنبال هم شکل می‌گیرند؛ به این ترتیب که تقریر دوم در پی اشکالی به تقریر اول و تقریر سوم در پی اشکالی به تقریر دوم پدید می‌آیند. ویژگی نسخه امکانی این بود که هرگونه خدا با هرگونه ویژگی‌ای را برای تشکیل ماتریس تصمیم‌سازی مجاز می‌شمرد و ویژگی نسخه واقعی این بود که تنها خدایان ادعا شده توسط ادیان موجود در جهان را برای تشکیل ماتریس تصمیم‌سازی مجاز می‌شمرد. سپس راه‌حلی را برای هریک از نسخه‌های اشکال خدایان متعدد بیان کردیم. راه‌حل ارائه شده برای نسخه امکانی که توسط جف جوردن ارائه شده است، این بود که نسخه امکانی گزاره «اگر گزاره P امکان منطقی داشته باشد آن‌گاه احتمال P عددی بزرگ‌تر از صفر است» را پیش‌فرض گرفته است که با ارائه مثال‌های نقضی نشان داده شد که این گزاره کاذب است. گزاره‌هایی وجود دارند که با وجود دارا بودن امکان

منطقی دارای احتمال صفر هستند. سپس برای صورت دوم و صورت سوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد راه‌حل‌هایی ارائه کردیم. برای پاسخ به صورت دوم به جای استفاده از گزاره ۶ در محاسبه EU از گزاره ۷ استفاده کردیم و از این طریق به تعیین ناپذیری ریاضیاتی پاسخ گفتیم. به عنوان راه حلی برای صورت سوم نشان دادیم که صورت سوم بر نفی گزاره «در صورت برابری EU برای چند اقدام هم احتمال، تفاوتی نمی‌کند کدام یک را انجام دهیم هر کدام را که انجام دهیم اقدام معقولی را انجام داده‌ایم» مبتنی است. طرف‌دار صورت سوم نسخه واقعی اشکال خدایان متعدد، بر اساس انکار این گزاره استدلال خود را پیش می‌برد. اما اگر این گزاره را صادق بدانیم استدلال طرف‌دار صورت سوم نسخه واقعی کار نخواهد کرد. در نهایت در برابر اشکال خدایان متعدد استدلالی را صورت بندی کردیم که آن را استدلال شرط بندی آزاد نامیدیم. نتیجه این استدلال این است که یگانه گزینه معقول برای فرد معقول، خدا باوری است. این استدلال با استفاده از این ایده جف جوردن که هدف اصلی شرط بندی پاسکال صرفاً ترجیح خدا باوری بر خدا ناباوری است نه ترجیح یک الگوی خاص از خدا باوری، یگانه عمل معقول را برای فرد معقول خدا باوری معرفی می‌کند. این که خدا باوری بر خدا ناباوری ترجیح دارد یک مسئله است و این که کدام یک از الگوهای خدا باوری باید اتخاذ شود مسئله دیگری است.

## پی نوشت

۱. با تشکر از محمد صالح زارع پور برای خواندن پیش نویس مقاله و ارائه نکاتی سودمند.
۲. برای آشنایی با این چهار تقریر بنگرید به: Hacking, 1972: 92-186.
۳. فرض بر این است که اعمال و وضعیت‌ها هیچ‌گونه رابطه علی و احتمالاتی با یکدیگر ندارند. منظور این است که اعمال شخص بر وضعیت‌ها هیچ‌گونه تأثیری ندارند. برای مثال، وضعیت «فاصله بین دو شخص» و اقدام «حرکت یکی به سوی دیگری» وضعیت و اقدام مستقل از یکدیگر نیستند. چرا که فاصله بین دو شخص تابعی از حرکت یکی به سوی دیگری است.
۴. از این جا به بعد در داخل هر خانه ارزش هر پیامد را می‌نویسیم.
۵. فرض بر این است که احتمال وجود خدا صفر نیست.
۶. بنابر قوانین احتمالات اگر احتمال صدق گزاره‌ای P باشد احتمال صدق نقیض آن 1-P است. از این رو اگر احتمال صدق گزاره «خدا وجود دارد» P باشد احتمال صدق نقیض آن 1-P خواهد بود.

۷. این تقسیم‌بندی را «جف جوردن» در کتاب *Pascal's Wager: Pragmatic Arguments and Belief in God* صفحه ۷۶ انجام داده است.
۸. این مقدمه بر این فرض مبتنی است که هیچ محدودیتی برای ما در تخیل خدایان گوناگون با ویژگی‌های گوناگون وجود ندارد.
۹. منظور از خدا در این جا همان خدایی است که پاسکال مد نظر داشته است.
۱۰. گزاره ۳ به این شکل خوانده شود: اگر گزاره P ممکن باشد آن‌گاه احتمال گزاره P بزرگ‌تر از صفر است.
۱۱. m و n کسری از بی‌نهایت نیستند.
۱۲. ممکن است کسی بگوید در این مثال A خیلی خیلی بزرگ‌تر از B نیست. در پاسخ باید گفت مهم نیست که اعداد منتخب برای A و B برای همه این ویژگی را داشته باشند که A خیلی خیلی بزرگ‌تر از B باشد. همین کافی است که شخص آن دو عددی را برای A و B انتخاب کند که در هنگام جمع آن دو عدد بتواند از عدد کوچک‌تر در برابر عدد خیلی خیلی بزرگ‌تر صرف نظر کند. این که مصداق عدد خیلی خیلی بزرگ‌تر برای اشخاص مختلف چیست تأثیری در بحث ما ندارد.
۱۳. ادیانی که داری ادعاهای ۱ و ۲ باشند.
۱۴. البته با ملاحظات عمل‌گرایانه.
۱۵. در این حالت ممکن است اشکال شود که امکان دارد باور هم‌زمان به g و g' ناسازگار باشد.
۱۶. فرض بر این است که عوامل دیگر، نظیر عوامل نفسانی، در تصمیم‌گیری دخالتی ندارند و شخص S صرفاً بر اساس ماتریس تصمیم‌سازی باور خود را شکل می‌دهد.
۱۷. مثل انواع الگوهای طبیعت‌گرایانه.
۱۸. ممکن است بتوان به طور هم‌زمان به بیش از یکی از اعضای مجموعه اول باور پیدا کرد نه لزوماً یکی.

## منابع

- Briggs, Rachael (2014) 'Normative Theories of Rational Choice: Expected Utility', *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta (ed.), URL=<<http://plato.stanford.edu/archives/fall2014/entries/rationality-normative-utility/>>.
- Hacking, Ian, (1972). 'The Logic of Pascal's Wager', *American Philosophical Quarterly*, 9 (2).
- James, William (1956). 'The Will To Believe', in *The Will To Believe and Other Essays in Popular Philosophy*, New York: Dover Publications, 1956.

- Jordan, Jeff (2006). *Pascal's Wager: Pragmatic Arguments and Belief in God*, Oxford: Oxford University press.
- Saka, Paul (2001). 'Pascal's Wager and the Many Gods Objection', *Religious studies*, Vol. 37, Issue 03.
- Martin, Michael (1983). 'Pascal's Wager as an Argument for Not Believing in God', *Religious Studies*, No. 19.
- Gustason, William (1998). 'Pascal's wager and competing faiths', *International Journal for Philosophy of Religion*, No. 44.
- Stephen, Leslie (1898). 'Pascal', in *Studies of a Biographer*, London: Duckworth & Co.
- Voltaire, F. M. A. (1971). *Philosophical Dictionary*, T. Besterman (ed. & tans.), London: Penguin Books.